

رقابت‌ها آشکارکننده باطن‌ها

رقابت‌ها و برخوردهایی که در زندگی پیش می‌آید، حقیقت انسان را آشکار می‌کند. گاهی انسان سال‌ها تحت ولایت شیطان است. اما متوجه آن نیست، در هنگام رقابت و درگیری از آن آگاه می‌شود. در اینجا به بیان برخی از مصادیق قرآنی و تاریخی این موضوع اشاره می‌کنیم:

۱. هابیل و قابیل دو برادری بودند که با هم تعامل داشته و در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، مشکلی در کار نبود، اما زمانی که قربانی یکی قبول شد و قربانی دیگری قبول نشد، نزاع درگرفت و به مرگ هابیل انجامید. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب [به پروردگار] انجام دادند؛ اما از یکی

۱. مائده: ۲۷.

پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد؛ [برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر] گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت! [برادر دیگر] گفت: [من چه گناهی دارم؟ زیرا] خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد!

۲. برادران حضرت یوسف علیه السلام فرزندان یعقوب پیامبر علیه السلام بودند، وقتی احساس کردند پدرشان به یوسف علیه السلام محبت بیشتری دارد، برادرشان را به چاه افکنند:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْمُتَلِّينَ * إِذِ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ * قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ﴾^۱

در [داستان] یوسف و برادرانش نشانه‌های [هدایت] برای سؤال‌کنندگان بود. هنگامی که [برادران] گفتند: یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدر از ما محبوب‌ترند درحالی که ما نیرومندتریم، مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکار است! یوسف را بکشید یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید تا توجه پدر فقط با شما باشد و بعد از آن [از گناه خود توبه می‌کنید و] افراد صالحی خواهید بود! یکی از آنها گفت یوسف را نکشید و اگر

کاری می‌خواهید انجام دهید او را در نهانگاه چاه بیافکنید تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند [و با خود به مکان دوری ببرند].

۳. عبدالله بن ابی از کسانی بود که به پیامبر اکرم ایمان آورد و رسول خدا ﷺ را به مدینه دعوت کرد، اما وقتی حضرت به مدینه آمد، او احساس کرد موقعیت اجتماعی‌اش ضعیف شده است؛ بنابراین در برابر حضرت ایستاد و جریان نفاق را رهبری کرد.

۴. طلحه و زبیر از مدافعان ولایت حضرت علی علیه السلام بودند و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نشانه اعتراض به جریان سقیفه بنی‌ساعده در خانه حضرت جمع شدند و پس از به حکومت رسیدن علی علیه السلام جزء نخستین بیعت‌کنندگان با او بودند؛ اما زمانی که متوجه شدند حضرت حاضر نیست به آنان مسئولیتی بدهد و برای موقعیت و دنیای خود احساس خطر کردند، در برابر حضرت ایستادند و جنگ جمل را برپا کردند.^۱

بسیاری از کسانی که در برابر امامان شیعه علیهم السلام ایستادند، نیز به خاطر این نبود که ایشان را نمی‌شناختند، بلکه به خاطر این بود که ایشان را رقیب خود می‌دیدند:

ابوالصباح می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ

عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲ پرسیدم ایشان در جواب من فرمودند:

۱. الفتح: ج ۲، ص ۴۵۱.

۲. نساء: ۵۴.

يَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ وَاللَّهُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ^۱

ای ابوالصبح، به خدا سوگند ما [اهل بیت] مردمانی هستیم که
مورد حسادت قرار گرفته‌ایم.

درگیری‌ها و اختلافات فراوانی در تاریخ ثبت شده است که ریشه در حسادت
و رقابت خواص با یکدیگر دارد. در تاریخ معاصر ایران مخصوصاً در انقلاب
اسلامی نمونه‌های فراوانی برای این موضوع وجود دارد. افرادی لغزش پیدا کردند
و در مقابل انقلاب ایستادند که روزگاری برای به ثمر رسیدن آن شکنجه‌ها شده
بودند.